

ادبیات امروز

معرفی تفصیلی کتاب

زهرا مهدب

تنتره، حتی به دوران «وداها» باز می‌گردد؛ و چنین به نظر می‌رسد که ویشنو شرمنا از منابع و مآخذ گوناگونی بهره‌مند بوده است: «براهمانا»، «پرانها»، «شاسترها»، «اوپانیساده‌ها» و «مهابهاراتا».

ویشنو شرمنا یک برهمن، مربی و معلم هندوست که مبتنی بر فلسفه خود، مردم را پند و هشدار می‌دهد و در این کتاب، به ویژه طبقه حاکم و زنان مورد انتقاد و نکوهش قرار گرفته‌اند، و بسیاری از قصه‌ها بر همین منوال است.

در این داستانهای ذهنی و تخیلی اما مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی، برانگیختن حس کنجکاوی و شوق در خواننده یا شنونده، برای دریافت کاملتر پیام و نتیجه، به خوبی پیداست. و نیز دویستی یا اشلوکهایی با محتوایی آموزنده آورده شده است که حدوداً یک چهارم محتوای کتاب را شامل می‌شود. این اشلوکها در کتاب پنجاکیهانه به گونه‌ای مشخص تفکیک شده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

۱. همچنانکه از یک دست آواز برنیاید، بخت نیز بی‌تدبیر یاوری نکند.
۲. کسی که شوق و جد در کارها دارد و کاهل نیست و روش کار را می‌داند و چالاک است، او را همه چیز میسر است.
۳. دانا را اگر جان به لب رسیده بود، به خوردن حرام رغبت ننماید، خاصه که به غایت کم باشد و موجب بدناسی در این جهان و باعث محرومی از درجه در آن جهان گردد.
۴. جایی که راست را از چپ فرق نکنند، مرد دانا یک لمحّه آنجا به سر نتواند برد.
۵. اگر علم بخوانند و معنی آن بدانند و کاری برای خود ن سازند، همانا که رنج بیهوده در دانستن برده باشند.
۶. هر که قدر هنر و فضل نداند، هنرمند خردپرور، به خدمت او نپردازد، زیرا

در زمان بهرامشاه غزنوی و به امر وی، نصرالله منشی آن را از روی ترجمه متن پهلوی برزویه به نثر پخته و روان فارسی برگرداند که به کلیله و دمنه بهرامشاهی شهرت یافت.

دکتر ایندوشیکور (استاد هندی دانشگاه تهران) نیز از روی متن اصلی سانسکریت، آن را به انگلیسی ترجمه کرد که به همت و همیاری استادان سرشناس ایران، به فارسی ترجمه و چاپ گردید.

در سال ۱۳۵۲ ترجمه فارسی پنجا تنترا که در قرن یازدهم، در زمان اکبر شاه گورگانی و به فرمان وی و توسط مصطفی خالقداد هاشمی عباسی که از سرشناسان ادب هنر به شمار می‌آمد انجام گرفته بود، با تلاش و بررسی مجدد دکتر تاراچند و امیر حسن عابدی به چاپ رسید و ده سال بعد، به همت دکتر جلالی نائینی، با توجه به نسخه اصلی، و با تصحیح و توضیح به نام پنجاکیهانه مجدداً به چاپ رسید.

پنج تنتره یا پنجا تنترا، نه تنها به پهلوی و سریانی و تبتی و عربی و فارسی و انگلیسی و...، بلکه به بیش از هفتاد زبان آسیایی و اروپایی و گویش محلی هند ترجمه شده و در حدود ۲۵۰ نوع ترجمه از آن در کتابخانه‌های جهان موجود است. همان گونه که از نام کتاب نیز پیداست، در آغاز دارای پنج موضوع یا فصل یا باب و یا تنتره بوده است و چنین به نظر می‌آید که برزویه طبیب به هنگام برگرداندن و تألیف آن به پهلوی، در تقسیمات کتاب تغییراتی داده و احیاناً قسمتهایی را جا به جا و یا حذف کرده است، و این در حالی است که بابهایی تازه را به آن افزوده است که نهایتاً مجموعه‌ای از ادبیات داستانی هند و ایران را در پانزده باب تشکیل داده است که ده باب آن در باره هندیان و پنج باب آن ویژه ادبیات ایرانیان است.

ریشه برخی از داستانهای هندی پنج

اصلی داستان است، آن چنان که در ادبیات ملتهای دیگر نیز به خوبی پیداست و قابلیت‌هایی از اینگونه نیز وجود دارند.

به هر حال این کتاب با درونمایه‌ای مبتنی بر آموزش اخلاقی و اجتماعی و سیاسی، و داشتن صحنه‌هایی شگفت‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی، و نیز شخصیت‌های حیوانی و انسانی، با جنبه قوی تخیلی و ارائه پند و اندرز سرگرم‌کننده، قدیمیترین گونه ادبیات تمثیلی هند به شمار می‌آید که با افزودن بابهایی تازه به آن توسط نخستین مترجم آن (برزویه طبیب) در واقع میراث مشترک فرهنگ و ادبیات ایران و هند به شمار می‌آید که بسیاری از ملتهای دیگر نیز از آن بهره‌مند گردیده‌اند و به زبانهای گوناگون ترجمه شده است.

پنج تنتره در اصل به زبان سانسکریت نوشته شده است و از آن چندین متن یا قرائت وجود دارد که قدیمیترین آنها، پنجاکیهانه است، و منشاء کتاب پنجاکیهانه یا پنج داستان نیز یکی از چند قرائت موجود پنج تنتره است.

تاریخ تألیف متن اصلی را برخی از محققین قبل از میلاد و بعضی پس از آن دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه پنج تنتره را برزویه طبیب (وزیر دانشمند خسرو انوشیروان ساسانی) در قرن ششم میلادی از هند به ایران آورد، محققین دست کم از زمان تألیف و شهرت آن در هند، تا هنگام ترجمه به پهلوی، ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال فاصله زمانی را در نظر گرفته‌اند، و تاریخ تألیف آن را حدوداً سده دوم تا سوم میلادی تخمین زده‌اند.

پنج تنتره قرن‌ها را پشت سر گذاشته است و بارها و بارها به زبانهای گوناگون ترجمه شده است. در سده دوم هجری، عبدالله بن مقفع آن را از روی متن پهلوی برزویه طبیب به نثر فصیح و بلیغ عربی برگرداند که این ترجمه مبنای بسیاری از ترجمه‌های دیگر قرار گرفت.



تنها یک بازگویی ساده

نسیم وهابی

سرّیع زمان در تربیت ذهنی و روحی او ایجاد کرده، ناگزیر به شتاب است؛ و این در ابعاد مختلف تجلیات گوناگون دارد. حال، حوزه دید خود را محدود می‌کنیم به بخشی از شاهنامه فردوسی که از آغاز دوران پادشاهی کیکاوس تا میانه سلطنت کیخسرو را دربرمی‌گیرد. پادشاهی صد و پنجاه ساله کیکاوس، لشکرکشی‌اش به مازندران، طلب یاری از دستم، قضیه دستم و هفت خوان معروفش در راه رفتن به سوی پادشاه، بازآوردن کدوس پیروز و آغاز روایت غم‌نامه سهراب، و از پس آن داستان سیاوش و خون ریختن وی به دست دشمن، پادشاهی کیخسرو، قصه مرگ فرود، (فرزند سیاوش)، به دست دوست، و تلاش کیخسرو برای برپایی حکومتی عادل و صلحجو و دلسوز مردم.

محمود کیانوش اینهمه را در از کیکاوس تا کیخسرو با وفاداری تام به وقایع اصل اثر و ایجازی قوام یافته به نثر، باز نگاشته است. تلخیص وقایع و روایت چکیده حکایات و قصه‌ها، با ارج نهادن بر تلاش فردوسی در گزینش کلمات فارسی و رعایت اکثر مبانی نگارشی خاص سبک نثر آن دوره (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری) صورت پذیرفته است. «در شاهنامه هر جا مبنای نقل فردوسی از نثر به نظم کتب پارسی بوده، اثر لغات عربی در آنها کمتر و هر جا مبنای نقل از کتب ترجمه شده تازی به پارسی بوده است، لغات عربی بیشتر می‌باشد.»^۱ و از آنجایی که داستانهای انتخابی کتاب مبنای نقلی جز ذهن خلاق فردوسی و افسانه‌های پارسیان نداشته است، سیطره کلمات فارسی در بیان این قصه‌ها و پیروی



داستانهای «شاهنامه» از کیکاوس تا کیخسرو بازنوشتۀ محمود کیانوش انتشارات آگاه چاپ اول: زمستان ۷۱

دغدغه وقت، مشغله‌های رنگارنگ ذهن، و کمرنگ شدن چیزی در زندگی به نام اوقات فراغت ما را از روی آوردن به رمانها یا منظومه‌های طولانی دور کرده است. لاجرم به خواندن ادیاتی می‌پردازیم که در زمانی نه چندان دراز ما را بهره‌ور سازد. حال این ادبیات منشور باشد یا منظوم، توفیری ندارد؛ چراکه سبک شعر عصر ما نیز انگیزه و ایجاز و محتوایی فراتر از اشعار خراسانی و عراقی و هندی را می‌طلبد. شعر این نسل، در قالب کنونی‌اش، می‌کوشد رها از سد قافیه و وزن و ردیف از ورطه اطناب به لزوم ایجاز دست یابد. و انسان امروز، با حرکت و پویایی که گذر

ازو امید نتیجه‌ای نمی‌تواند داشت، مانند شوره‌زار که هرچند در آن بکارند و سعی در رستن نمایند، هیچ نروید. ۷. کسی که در رزم پیشاپیش پادشاهان باشد و در بزم در پس و پشت، و در منزل پیش در، او دایم دوست داشته ایشان باشد.

۸. صاحبی که قدر خدمت بنده‌های خود نشناسد، هرچند دولت بسیار و ملک وسیع و نسب عالی و دستگاه موروثی داشته باشد، خدمت او نتواند کرد.

۹. کسی که دشمن قوی هولناک قصد او کند و او را دل قوی باشد و از جا نرود، او هرگز مغلوب نگردد.

۱۰. کسی که نیک از بد امتیاز نتواند کرد، و از دانش بی‌بهره است، از آن حیوان با گاو فرقی نیست.

و گذشته از این چند نمونه، این کتاب باز هم دارای جنبه‌های سودمند و سرگرم‌کننده است و داستانهای آن نزد عام و خاص شهرت دارد. داستانهایی که در کتاب پنجاکیانه به ترتیب در پنج فصل آورده شده‌اند:

فصل اول: درباره گسیختگی دوستی یا نفاق دوستان

فصل دوم: به دست آوردن دوستان

فصل سوم: بومان و زاغان

فصل چهارم: یافته خود را از دست دادن

فصل پنجم: کردن کار بی‌تأمل و زیان‌زدگی

هر یک از فصلها دارای حکایت‌هایی پی‌درپی و وابسته به هم است و فصلها نیز در پیوند با هم قرار دارند و مجموعه آنها کتاب را تشکیل داده است.

